

دکتر زهرا محسنی‌فر، پژوهشگر حوزه کودک و نوجوان:

نوجوانان بحران نیستند، ظرفیتی برای فردای بهترند

نوجوانان را مقصر ندانیم، ما در انتقال ارزش‌ها کوتاهی کرده‌ایم



محبوبه قربانی

هر چند نسل Z در ایران به دهه‌های ۸۰ و ۹۰ گفته می‌شود و دلیل انتخاب این نام استفاده فراوان نوجوانان از اینترنت است و در جایی با عنوان «نسل اینترنت» یا «بومی‌های دیجیتال» هم شناخته می‌شوند، اما زهرا محسنی‌فر، پژوهشگر و کارشناس حوزه کودک و نوجوان و مدیر پرسوئی نوجوانان تبیان معتقد است این تعبیر، تعبیر یک‌سویه‌ای است چرا که وقتی در باره نوجوانان ایرانی صحبت می‌کنیم، شاید برخی از آنها این ویژگی‌ها را داشته باشند و برخی نداشته باشند، البته حتماً ویژگی‌های مشترکی در بین جمعی از نوجوانان وجود دارد ولی به گفته محسنی‌فر، تعبیر نسل ضد و آلفا که بیشتر منطبق بر رویکردهای جامعه‌شناختی است، مثل بقیه رویکردهای روان‌شناختی و جمعیت‌شناختی تقلیدگرایانه است. به بیان وی برای بررسی و شناخت بهتر و کامل‌تر نوجوانان مان مناسب‌تر است واژه «پرسونا» (طرح و تصویر شخصیت) را به کار ببریم چرا که تلفیقی از تمامی رویکردها و نظریه‌هاست. باین پژوهشگر به گفت و گو نشستیم.

■ ■ ■

به عنوان پرسش نخست بفرمایید چقدر پرسوئی نوجوانان امروزی را مطابق ارزش‌ها و هویت‌های ملی – ایرانی می‌بینید؟ آیا نوجوانان مان هم‌راستا با این ارزش‌ها و هویت‌ها در حرکت هستند؟

برای پاسخ به این پرسش ابتدا باید تعریفی از ارزش‌ها و هویت‌های ملی – ایرانی داشته باشیم تا منظور و هدف از ارزش‌ها مشخص شود. گاهی بعضی موارد تعبیر و معنای متفاوتی برای نوجوان دارد و اینطور نیست که برای او دارای ارزش نباشد. ما به عنوان بخشی از جامعه، خانواده و رسانه وظیفه داریم بسیاری از ارزش‌ها را به نوجوانان‌مان منتقل کنیم که متأسفانه در این مورد خوب عمل نکردیم. در جایی هم که نوجوان خیلی متفاوت عمل می‌کند، نباید این تفاوت را از ویژگی‌های نوجوان در نظر بگیریم، چرا که او در حال تمرین و شکل‌دادن است، به همین دلیل در مواجهه با بعضی ارزش‌ها ممکن است در بازه زمانی نوجوانی آن ارزش را به چالش بکشد

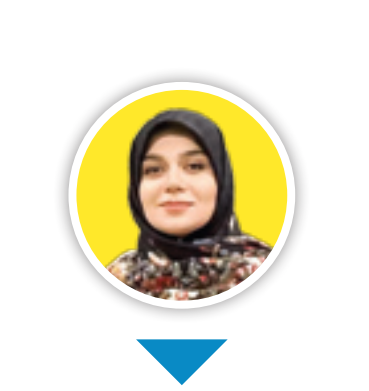
ولی بعد از عبور دوران نوجوانی به آن ارزش بر گردد، متأسفانه خانواده آموزش‌های لازم را از سمت رسانه و نهادهای متولی آموزش برای آنکه چطور نقش خود را در مواجهه با نوجوان ایفا کند، ندیده است. در تجربیاتی که در مواجهه با والدین نوجوان داشتم، معلوم شد بعضی از آنها حتی اطلاعات کافی درباره بیولوژی نوجوانان‌شان ندارند، به همین خاطر بسیاری از اتفاقاتی که در نوجوانی رقم می‌خورد، در نظر آنها بر خاشاگری و از روی خودسری است. بسیاری از والدین نمی‌دانند رشد نوجوان از لحاظ جسمی و بحران‌های نوجوانی اعم از جنسی و هویتی چیست. در جایی هم آن را به خانواده‌ها آموزش نداده‌ایم، حتی مهره‌های میانی مانند معلمان و مربیان هم نمی‌دانند. در برخورد با مسئولان متوجه می‌شویم وقتی می‌خواهند درباره نوجوان تصمیم بگیرند و برنامه بسازند، بر اساس یک یا دو نوجوانی که در اطراف‌شان دیده و شناخت پیدا کرده‌اند، تصمیم می‌گیرند، در حالی

که شناخت کافی از پرسوئی نوجوان لازم است، چرا که نوجوانان بر حسب آنکه چه چالش، آرزو، اهداف، گرایش، کنشگری‌های دینی و سیاسی دارند و در چه طبقه، قومیت و موقعیت جغرافیایی هستند، کاملاً با یکدیگر متفاوتند. نوجوان در بیشتر جاه‌تر بیون ندارد و نمی‌تواند حرف بزند. این ما هستیم که به جای آنها تحلیل می‌کنیم و حرف می‌زنیم.

والدین چگونه پنجره اعتماد را به روی نوجوانان‌شان باز کنند تا بتوانند آنها را در بسیاری از ناهنجاری‌های این دوران کمک کنند؟

توصیه می‌شود خانواده و والدین تا قبل از ۱۴ سالگی ریل‌گذاری‌های لازم را انجام دهند و راه گفت‌وگو با نوجوانان‌شان را که مهم‌ترین ریل‌گذاری‌هاست باز کنند، به این معنا که والد بتوانند با نوجوان خود حرف بزنند. طبق پژوهش‌های میدانی، یکی از پر تکرار ترین مسائل و مشکلات نوجوانان و والدین، در پرسوئاهای مختلف آن است که نوجوانان امکان گفت‌وگو با والدین‌شان را ندارند! به محض صحبت کردن دعوا شکل می‌گیرد و طرفین همدیگر را به این متهم می‌کنند که تو حرف مرا گوش نمی‌کنی، تو مرا درک نمی‌کنی، بنابراین باید گفت یکی از مسیرهایی که به اعتماد سازنده منجر می‌شود، گفت‌وگو است و لازم است هم والد و هم نوجوان مهارت گفت‌وگو را یاد بگیرد. در اینجا به کلید دیگری برای اعتمادسازی اشاره می‌کنم و آن «مثلث طلایی دکتر سادات» است («مثلث طلایی ارتباط و تأثیرگذاری والدین بر نوجوان» ارائه شده از سوی دکتر مسبحان سادات، روان‌شناس). یکی از

اضلاع آن «پذیرا» بودن است، والد باید این احساس را در نوجوان ایجاد کند که اگر هر اشتباه و خطایی انجام داد، همچنان او را می‌پذیرد که نکته بسیار مهمی است و نبود آن زمینه‌ساز بسیاری از ناهنجاری‌هاست. دومین ضلع «احساس انتخاب» است. نوجوان در معرض انتخاب‌های درست قرار بگیرد و خودش انتخاب کند. الزاماً نگذاریم



اگر ما مسیر درستی را برای شکل‌گیری هویت فردی ایجاد کنیم، آن موقع نوجوان به هویت اجتماعی‌اش وصل می‌شود. هویت اجتماعی بیشتر از آنکه در اختیار نوجوان باشد، در اختیار جامعه است. وقتی در جمعی مدام برچسب‌های منفی به او زده شود، بر هویت او تأثیر منفی می‌گذارد و اگر برچسب‌های مثبت زده شود، وجه سازنده‌ای از هویتش می‌شود

هر چیزی را انتخاب کند بلکه احساس انتخاب در او ایجاد شود. سومین ضلع «احساس شایستگی» است. نوجوان باید تأیید شود و احساس کند از منظر والد، معلم، مربی و از نظر سیاستگذار شایسته است. ما در بسیاری از موارد با نوجوان به مثابه یک بحران رفتار می‌کنیم نه ظرفیت و این مسئله ساز است.

چرا گاهی بین هویت فردی و اجتماعی نوجوانان تعادلی نیست؟ چگونه می‌توانیم آنها را در شکل‌گیری هویت اجتماعی کمک کنیم؟

اگر ما مسیر درستی را برای شکل‌گیری هویت فردی ایجاد کنیم، آن موقع نوجوان به هویت اجتماعی‌اش وصل می‌شود و نیازی به تعادل ایجاد کردن نیست. حال منظور از هویت اجتماعی چیست؟ در جواب باید گفت هویت اجتماعی بیشتر از آنکه در اختیار نوجوان باشد، در اختیار جامعه است. وقتی می‌گوییم هویت اجتماعی، منظور برداشتی است که دیگران از هویت او دارند و در شکل‌گیری این هویت، عاملی که در ارتباط با نوجوان هست، بسیار مؤثر است، در حالی که نه صرفاً نوجوان بلکه حتی کودک وقتی در جمعی مدام برچسب‌های منفی به او زده شود، از قبیل این جملات که «سرکش هستی، خودسر هستی، هر کاری دلت بخواهد انجام می‌دهی» بر هویت او تأثیر می‌گذارد یا در جایی برچسب‌های مثبت زده شود مانند «نوجوان شنونده‌های خوبی هستند، ظرفیت‌های خوبی دارند، خلاق هستند، مسئولیت‌پذیر هستند» وجه سازنده‌ای از هویت آنها می‌شود، بنابراین این نوجوان‌ها نیستند که باید تعادل ایجاد کنند بلکه اطرافیان نوجوان هستند.



ممکن است اتفاق بسیار خطرناکی بیفتد. وقتی نوجوان احساس می‌کند این مسئله را نمی‌تواند به والدینش بگوید، حتماً در اطراف او کسانی هستند که صلاحیت ندارند ولی این آمادگی را اعلام می‌کنند که می‌خواهند برای او کاری انجام دهند!

مسائل اجتماعی مانند نابرابری، تبعیض یا خشونت روی زندگی روزمره نوجوانان تأثیر می‌گذارد. نقش سازمان‌های دولتی و غیردولتی یا برنامه‌های اجتماعی در حمایت از نوجوانان چیست؟

به عنوان یک پژوهشگر می‌بینم مسائل نوجوان تقلیل داده می‌شود به اینکه افسرده است، عزت نفس کافی ندارد، اعتمادبه‌نفس کافی ندارد و در جایی تقلیل داده می‌شود به مسائل فردی، روان‌شناختی و اجتماعی و به این ترتیب او نادیده گرفته می‌شود. نوجوان در فضایی زندگی می‌کند که به راحتی به ماده مخدر «گل» دسترسی دارد و حتی بدون اراده خودش در ارتباط با محتوای جنسی ناسالم قرار می‌گیرد. کافی است تلفن همراهش را روشن کند و با نصب یک فیلتر شکن کلی محتوای بی‌اخلاقی در اختیارش قرار بگیرد، ربطی به مؤلفه‌های شخصیتی و هویتی نوجوان هم ندارد. فضای نوجوان فضای ناامنی است. وقتی زمان نوجوانی خودمان را با نسل امروز مقایسه کنیم، تفاوت چندانی پیدا نمی‌کنیم، فقط بسترها و مؤلفه‌های اجتماعی ناامنی در رابطه با نوجوانان امروز وجود دارد که در قدیم نبود. مثلاً وقتی نوجوانی در قدیم می‌خواست فیلمی دور از اخلاق نگاه کند، باید کلی شرایط فراهم می‌کرد اما برای نوجوان امروز با روشن کردن یک تلفن همراه فراهم است. این موارد قطعاً مواردی است که باید نهادهای سیاستگذار و مسئول سراغش بروند و آن امنیت لازم را ایجاد کنند. کاری نیست که صرفاً نوجوان یا والدین از عهده آن ببرند.

چگونه نوجوان را از ارتکاب به رفتارهای خطر پر دور کنیم؟

اینکه ما یک درک، رویکرد و بینشی از زندگی را در اختیار نوجوان قرار ندهیم، بسیار مهم و راه‌گشاست. ما با بعضی از نوجوانان مواجه هستیم که معتقدند چیزی اصالت دارد که لذت دارد و به فکر آن هستند که چه کار کنند تا هر چه بیشتر به آنها خوش بگذرد ولی کمتر در دسر و زحمت داشته باشند. همه ما انسان‌ها به ویژه نوجوانان به دنبال شادی هستیم، چرا که شادی مقوله عمیق و طولانی‌مدت است و با لذت متفاوت است، ولی گاهی در لذت و شادی دستکاری می‌شود؛ اتفاقی که در بسیاری از کمپانی‌ها می‌افتد، به این معنا که نوجوان به خود می‌گوید این رابطه جنسی پرخطر را تجربه می‌کنم، چون احساس شادی می‌دهد، غافل از آنکه فقط لذت است یا ماده «گل» را به دور از تبعات آن روی حافظه و آینده‌اش مصرف می‌کند، نتایج‌های آنکه دقایقی شاد باشد در حالی که لذت را تجربه می‌کند، بنابراین بسیار مهم است به نوجوان رویکرد بدهیم تا بداند لذت چیست، شادی چیست و از زندگی چه می‌خواهد، دنبال چه می‌گردد و آرزوهایش چیست. مسئله بسیار مهم دیگر برای نوجوان «آرزو» است. اینکه آرزوهایش چطور شکل می‌گیرد و چرا آن موضوع برایش آرزو شده است را می‌توان با ارائه رویکرد و بینش، توقع داشت تا نوجوان به شکل مؤثرتری با آنها مواجه شود و به خطر نیفتد.

دکتر معصومه نصیری، فعال حوزه سواد رسانه و خانواده:

مدیریت نوجوانان در فضای مجازی ممکن نیست چون والدین سواد رسانه ندارند



سواد رسانه‌ای به دانش آموز امروز ما چه کمکی می‌کند و بر عکس دانش آموز نسل جدید چگونه می‌تواند سواد رسانه‌ای را تقویت و در آن هویت خود را پیدا کند و انتقال دهد؟

نوجوانان و جوانان ما باید تلاش کنند هویت‌های برگرفته از فرهنگ عمومی و کلان جامعه را از او بگیرند چرا که فضای مجازی در حال خلق هویت جدید است تا هویت پیشین از بین برود. ما باید سعی کنیم هویت‌های خود را هویت ساخته شده رسانه‌ای قرار ندهیم و تأثیرپذیر نباشیم. سواد رسانه‌ای اگر در فرزندان تقویت شود، در برابر هر ضد هویتی و اکسینه می‌شود و هر محتوایی را وارد ذهن نمی‌کند و نسبت به ورود محتوا به ذهن خود و انتخاب آن سختگیری بیشتری خواهد داشت و برای ورودی‌های ذهن خود برنامه‌ریزی می‌کند.

کودک و نوجوان خود باشیم. **سؤال مهمی که شاید اکثر خانواده‌ها داشته باشند، این است که چگونه سواد رسانه‌ای کسب یا تقویت کنند؟**

سواد رسانه‌ای دانشی نیست که متوقف نشود. با توجه به اینکه هوش مصنوعی و زیرشاخه‌های آن به سرعت وارد زندگی بشر می‌شود، سواد رسانه‌ای و مدل‌هایی که اخبار به ما می‌رسد و نیز فیک‌نیوزها و توسعه حوزه رسانه و تولید محتوا به ما می‌گوید که دانش باید دائماً به‌روزرسانی شود. لازم است از طریق خود رسانه و دوره‌های مختلف آموزشی موجود در مراکز فرهنگی، مساجد و مدارس، آموزش را توسعه دهیم. کتاب‌هایی را که به زبان ساده در حوزه سواد رسانه و خانواده است، استفاده کنیم، به هر حال اگر کسی به دنبال دانش و اطلاعات باشد، از این محیط‌ها کسب اطلاعات می‌کند و خود را در معرض یادگیری قرار می‌دهد.

نیره ساری

دکتر معصومه نصیری، معاون آموزش و پژوهش باشگاه مدیریت رسانه و توسعه سواد رسانه‌ای یونسکو ایران و فعال حوزه سواد رسانه‌ای و خانواده است. وی در گفت‌وگو با «جوان» به نقش سواد رسانه‌ای و ضرورت‌های آن در خانواده اشاره می‌کند و می‌گوید: شکاف آگاهی نوجوان و والدین از فضای مجازی زیاد است و این فاصله اطلاعاتی باید به حداقل برسد. تا مادامی که خلأ آگاهی والدین از فضای مجازی پر نشود، نمی‌توان از مدیریت نوجوانان در فضای آنلاین صحبت کرد. متن گفت‌وگو در ادامه می‌آید.

■ ■ ■

نقش سواد رسانه‌ای در زندگی خانواده‌ها چیست؟
سواد رسانه‌ای برای زیست در دنیای رسانه نقش‌ی جدی در فضاهای مختلف اجتماعی و فرهنگی ایفا می‌کند. نهاد خانواده نیز خط‌مقدم آموزش، فراگیری و انتقال مفاهیم سواد رسانه‌ای به کودک و نوجوان است و حتی والدین به عنوان ستون‌های خانواده نیز پیشگام در این زمینه هستند. سواد رسانه‌ای در خانواده در چند حوزه اهمیت بیشتر و جدی‌تر دارد. ابتدا رژیم مصرف رسانه‌ای یا تعیین الگوی مصرف است، به این معنی که کودکان و نوجوانان ما چگونه محتوا را انتخاب کنند یا اینکه چگونه خود را در معرض محتوا قرار دهند و آن را در سبب ذهنی و فرهنگی خود بگذارند. همچنین توانایی شناسایی محتواهای فاخر، دقیق و درست از بین آیهو محتواهایی که در اختیار دارند، بسیار قابل اهمیت است. سواد رسانه در خانواده نقش جدی دارد و خانواده در حوزه سواد رسانه یا در تعیین الگوی مصرف

وقتی از مدیریت فضای آنلاین برای نوجوانان صحبت می‌کنیم اولین نکته این است که در حال حاضر فضای بین نوجوانان و والدین دچار شکاف دیجیتال و آگاهی است. نوجوانان در فضای درک و آگاهی از فضای مجازی جلوتر از والدین خود هستند و



اثرگذار است و می‌تواند آن را راهبری کند. سواد رسانه در خانواده باید به افزایش دانش استفاده از رسانه و محتوا در درون خانواده و میان اعضای خانواده منجر شود.

مدیریت فضای آنلاین برای نوجوانان باید از سوی خانواده چگونه باشد تا مؤثر ترین اثرگذاری مثبت را داشته باشد؟

وقتی از مدیریت فضای آنلاین برای نوجوان صحبت می‌کنیم، اولین است که در حال حاضر فضای بین نوجوانان و والدین دچار شکاف دیجیتال و آگاهی است. نوجوانان در فضای درک و آگاهی از فضای مجازی جلوتر از والدین خود هستند و این شکاف مدیریت نوجوانان را سخت‌تر می‌کند و صرفاً نمی‌توان به عنوان یک گزاره به آن نگاه کرد. همین گام رو به جلو باعث ایجاد درگیری و تنش و تضاد بین نوجوان و والدین می‌شود. در واقع باید ابتدا این شکاف را در حوزه رسانه بین بچه‌ها و والدین کاهش دهیم و آنها را به یکدیگر نزدیک و بعد در مورد مدیریت صحبت کنیم. نکته دوم همراهی والدین با فرزندان در فضای رسانه‌ای است. آنجا که معمولاً والدین ما نمی‌توانند مدیریت مؤثر در فضای مجازی برای کودکان داشته باشند، اصل همراهی را هم ندارند، یعنی مدل، محیط و چگونگی مصرف کودکان و نوجوانان و علائق آنها را نمی‌دانند و توان مدیریت هم به دنبال آن وجود ندارد. نکته مهم این است که در حوزه بازی‌های رایانه‌ای و انیمیشن و فیلم‌ها و صفحات مختلف در فضای مجازی باید همراهی کنند و به آن اشراف و آگاهی داشته باشند. میزان مصرف، چرایی و دلیل علاقه آنها به این محتوا را بدانند. تا خلأ آگاهی پر نشود از فضای مدیریت نمی‌توان صحبت کرد. خانواده‌ها در مورد حریم خصوصی فضای مجازی باید آگاهی داشته باشند که هر عکسی را به اشتراک نگذارند، در حالی که گذاشتن عکس‌های ناقض حریم خصوص و به نمایش گذاشتن روزمرگی‌ها خود مصداق نداشتن سواد رسانه‌ای است. کودک و نوجوان ما نمی‌بیند ما چه می‌گوییم بلکه به آنچه انجام می‌دهیم، نگاه خواهد کرد. آنچه ما انجام می‌دهیم انتقال مفهوم با حداقل هزینه است، در غیر این صورت شاهد عوارض بی‌سوادی باید بین